

بروقی قول علی و ابن مسعود رضی الله عنهما ویکل با در خواب
بروقی قول آبی خرد است که از پیش رفت و بیدار
پیش نبود، و جزیل اذان جهت استنحاج کرد که حضرت رسالت
صالحات اسلام علیه با زود و از آنها بودی محاج
به روزی نبود و قوی است که با او به استنحاج قوی
شده حرارت آسان و لذت، جادسان بود، و قوی و بیدار
که از بهر شریف و تکلیف میفرماید الصلوة و السلام استنحاج
کرد که اگر روانی در کتوف، و بدی تصور فرمودی همیشه
کشود استنحاج پس از برای تعظیم اوفخ کردند چون
خواست که مهر علیه الصلوة و السلام به محاج بود و پیش
از صلوة و پیشتر میان ایشان موقوف بود سوال کردند
با تو کبیت و معوض شد چیرگی کننت آری و این را
مجیی از معاری و رعنا که ذکر است یعنی بوع اهل
آسانها و زمینها ذکر و اسم او را شناختند و سوال کردند
از تعجب و استنباط بود و از آن جهت چیرگی کننت سلام
بر ایشان که حضرت رسالت صلوات اسلام علیه بر
ایشان میگذشت و پوست ای می چیرگی کننت و قوی است
که می است و اول اصح است و از پس اذان جهت کند
که بسیار درین کتاب میخواند و اسم او را خواجه است و اصح است

که عریضت و موی کلب از موی است و آن آب و روغن
باشد که موی در میان آب و روغن باشد و از آن جهت فرمود
که عیبی و عیبی پندران فال اند که عیبی بهر نیم است همان اصل
و عیبی بهر اشبع است عریان و در آن سالک میخورد که شرح
از پیش رفت نماز پنج گانه در شب معراج فرض شد و در آن
سال بیضا عیبه آوی زدند و صورت آن بود که حضرت رسالت
علیه الصلوة و السلام در موسم بیرون رفت و دوازده نفر از ایشان
آید بودند در عیبه به ایشان رسید و بیعت کردند عیبه به
الصامت رعایت کند و دوازده نفر در شب عیبه آوی بیعت با
حضرت رسالت صلوات اسلام علیه کردیم و من علی از آن ایدم
و بیعت میخورد بیعت زمان کردیم که شرف بخدای بنا کردیم و در وقت
و زانی نشویم و فرزندان بکشیم و بتان در حق بگویم که اقرار
کنیم و خصیبه نوزیم و این بیعت پیش از آن بود که عیبه
شد فرمود که ای من بیعت وفا کنید تا ما بیعت باشد و اگر
در بعضی نام نماند که از شما اصح میخوردی است اگر خواهر عیبه
کند و اگر خواهر غایب و چون بازی کردند بیعت علیه الصلوة
و السلام مصعب بن عمیر را با ایشان برین فرستاد تا قبول صل
درین کند و قرآن یا موزند و در هر بیعت به اسرارین زاری فرمود
که او را در هر بیعتی میخواند و در آن روز او را میخواند

Copyrighted material